

اظهارات مه‌ران مدیری درباره بازی در فیلم «درخت گردو» ابهام‌های جدیدی پیرامون نسبت هنرمندان و اسپانسر‌ها ایجاد کرده است

گروگان‌گیری اسپانسر‌ها؟

شب‌به‌شب همین هفته، وقتی نام «پیمان معادی» به‌عنوان بهترین بازیگر نقش اول مرد جشن حافظ خوانده شد، «مه‌ران مدیری» روی سن رفت و در غیاب او، جایزه‌اش را دریافت کرد و پس از تمجید از بازی معادی و همدلی تیم‌سازنده، در موضعی عجیب که تاکنون کمتر از او دیده‌شده، از بازی خودابرا گرفت و گفت: «من افتضاح‌م در این فیلم. این را واقعا می‌گویم. من خیلی بد بازی کردم، یعنی وقتی فیلم را دیدم، نفهمیدم چرا بازی کردم. هنوز نفهمیدم دلیل انتخاب من برای بازی در «درخت گردو» چه بود. حالا دوستم داشتند یادوست بودیم، گفتند توهم بیا بازی کن ولی یک چیز افتضاحی بود. این سخنان در همان دقایق نخست، باواکنش گسترده‌ای از جانب مخاطبان مجازی مواجه شد. عده‌ای این شجاعت مدیری را ستودنی عنوان کردند و تا توانستند او را بالا بردند و از وی برای پذیرش نقدها و اشتباهات خود تقدیر کردند. در مقابل عده‌ای هم این سخنان را فروتنانه قلمداد کردند و اینکه مدیری مانند همیشه از روی شیرینی ذاتی‌اش خواسته مجلس را برای دقایقی گرم کند و نباید این نقدها به بازی‌اش را چندان جدی گرفت. اما در آن دقایق کمتر کسی بود که به سخنان مدیری در نشست خبری این فیلم در جشنواره سی‌وهشتم بپردازد. جایی که مدیری دو سال قبل جواب سوالات خود را داده بود. او عصر سه‌شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۸، با عینک دودی در پردیس ملت حضور یافت، «درخت گردو» را برای اولین بار همراه دیگر عوامل فیلم تماشا کرد و پس از آن به نشست مطبوعاتی فیلم‌رفت و به سوالات اهالی رسانه پاسخ داد. او در بخشی از صحبت‌های آن مراسم گفت: «من نه‌تنها در جبهه برای رزمندگان نمایش اجرا می‌کردم، بلکه جنگیدم، یکی از دلایل بازی در این فیلم آن بود که من خودم در دل این فاجعه بودم؛ در زمان بمباران شیمیایی مادر منطقه بودیم که به سر‌دشت اعزام شدیم و بخش بزرگی از این ماجرا را از نزدیک دیدم. دوستی من با مصطفی احمدی، محمدحسین مهدویان، پیمان معادی و فیلم‌نامه خوب این اثر باعث شد خاطرات آن روزها برای من زنده شود و دوست داشتم گوشه کوچکی از این فیلم باشم.»

حالا چه شده که مدیری در کمتر از دوسال نسبت به صحبت‌های خود در نشست مطبوعاتی «درخت گردو» موضع متفاوتی گرفته است و از اساس این پرسش را مطرح می‌کند که نمی‌داند به چه دلیل برای این فیلم انتخاب شده، ذهن‌ها را به سمت دیگری پیش می‌برد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

باید اعتراف کنیم که این شکل همکاری سال‌هاست در سینمای ایران متداول است و هیچ‌گاه ابعاد و دلایل واقعی این شکل همکاری رسانه‌ای نشده است. طرفین حاضر در این نوع همکاری، به‌قدری احتیاط پیشه می‌کنند که گاهی حتی بسیاری از سینمایی‌ها نیز به اصل قضیه پی نبرده و تعدد دفعات همکاری را نتیجه رابطه خوب میان تهیه‌کننده و بازیگر عنوان می‌کنند.

اتفاقا در تمام این سال‌ها این اخبار به‌طور غیررسمی حول بازیگران چهره‌ای مطرح بوده که مخاطبان گمان می‌برند دامنه انتخاب‌های وی در مجموعه‌ای از اصول کیفی قرار دارد اما در حقیقت این گونه‌نموده و اخباری غیررسمی از این همکاری‌ها حکایت داشتند اما چون این اخبار هیچ‌گاه رسمیت نیافته و اقراری را به‌خود ندیده، از آوردن نام آن افراد معذوریم.

این اتفاق خود به جریانی مافیایی در سینمای ایران تبدیل شده که با به‌راه انداختن انحصار، زمینه را برای یک فعالیت نرمال برای سایر کسانی که اهل این باندبازی‌ها

نیستند، ناامن و سخت می‌کند، بنابراین اینطور به‌نظر می‌رسد که باید با این انحصار نیز مانند دیگر انحصارها جنگید و نسبت به افشای ابعاد آن عمل نکرد؛

چرا که در این شکل معامله به‌جز فرد تهیه‌کننده و آن بازیگر هیچ‌نفعی متوجه فرد دیگری در گروه تولید نیست، بنابراین مافیای واقعی اینجااست که می‌تواند درطول زمان گسترده‌تر شود و ضربات مهلکی را به چرخه معمول تولید فیلم در سینمای ایران وارد آورد.

برای سرشکن کردن دستمزد بازیگران

اما یک تهیه‌کننده که اصولاً آدمی آشنا به فرآیندهای اقتصادی است، چرا باید با یک یا چند بازیگر وارد چنین معامله‌ای شده و به انحصار در سینمای ایران دامن بزند؟ جست‌وجوی «فرهنگستان» برای یافتن پاسخ واقعی این پرسش به داده‌های جالبی رسید. مهم‌ترین این داده‌ها آن است که تهیه‌کننده با این فرزند به‌دنبال منافع بیشتر اقتصادی است. بگذارید موضوع را باز کنیم. یک تهیه‌کننده با بازیگری چهره که عموماً با اقبال مردمی مواجه است، وارد مذاکره شده و به وی پیشنهاد می‌دهد در مدت زمانی معلوم و در ازای دریافتی بیشتری به نسبت آنچه خود پیشنهاد می‌کند، تمام پیشنهادهای سینمایی و شبکه‌نمایش خانگی را رد و تنها در آثار آن تهیه‌کننده یا شرکت بازی کند.

عمده تهیه‌کنندگانی که چنین پیشنهادهایی می‌دهند، مترصد این فرصت هستند که از نام آن بازیگر بهره‌برداری‌های دیگری کنند، یکی از آنها ترغیب دیگر بازیگران به حضور در آن پروژه به‌واسطه نام این بازیگر است، یعنی بازیگران دیگر وقتی می‌فهمند فلان بازیگر مطرح در این پروژه حضور دارد، به شکل معطانه‌تری راضی به پذیرش حضور در آن پروژه می‌شوند و قیمت‌هایشان را می‌شکنند و به همین سادگی سهم بزرگی از هزینه پروژه که متعلق به‌دستمزد بازیگران است، کاهش می‌یابد و صرفه اقتصادی خوبی نصیب آن تهیه‌کننده می‌شود.

البته ذکر این حقیقت ضروری است که درصد بسیار پایینی از تهیه‌کنندگان به این شکل رابطه روی می‌آورند و همین درصد پایین به‌لحاظ عوایدی که این پنهان کاری‌ها برای آنها به ارمغان می‌آورد، از لودادن این موضوع حتی نزد دوستان سینمایی خود نیز آبا می‌کنند و همین عامل یکی از اصلی‌ترین دلایلی است که سبب شده در تمام این سال‌ها این حرکت خزنده در سینمای ایران وجود داشته باشد اما کمتر توجهی از جانب خود سینماگران یا اهالی رسانه به این موضوع معطوف شود.

ذوق‌زدگی از همکاری با یک بازیگر خاص

باور این موضوع بسیار سخت است اما پیگیری‌های ما به این نتیجه رسید که درصد بسیار اندکی از کسانی که تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذار هستند، فقط به‌دلیل علاقه شخصی خود به یک بازیگر، یکی از شروط ساخت اثر را حضور آن بازیگر عنوان کرده یا در خصوصی با آن بازیگر می‌بندند که طبق توافق‌نامه‌ای تنها در کارهای آنها حاضر باشد.

اتفاقی که بارصد اخبار چندسال اخیر سینمای ایران، حتی از زبان برخی سینماگران نامدار نیز تأییدشده و آنها اعتراف کرده‌اند که چنین جریانی به‌دلیل علاقه‌مندی به‌یک بازیگر خاص، وجود دارد. البته ناگفته پیداست که موضوع قراردادهایی از این دست با بازیگران هیچ‌گاه متوجه تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران شاخص و پرآوازه سینمای ایران نبوده و این اشخاص نتوانسته‌اند دوام چندانی در بدنه سینمایی کشور داشته باشند. ضمن اینکه آن بازیگران نیز با علم به این موضوع که این قراردادها نمی‌توانند در طولانی مدت ماندگاری داشته باشند، مفاد آن را پذیرفته و برای زمان‌هایی معدود که عموماً بین یک تا دو سال است، به چنین همکاری‌هایی تن می‌دهند.

اگرچه شاید این نوع همکاری از دید همان تهیه‌کنندگان کم‌تعداد، جریان مافیایی تلقی نشده و جزئی از روند حرفه‌ای سینما محسوب شود اما نمی‌توان منکر ملطات کلی آن به سینمای ایران شـد. اصلی‌ترین ترکش این روند به بالا رفتن دستمزد بازیگران مربوط می‌شود، همان‌گونه که طی چندسال اخیر مشاهده شده که این روند تا چه اندازه به بالا رفتن خزنده دستمزد بازیگران و تنوع در دریافت آن به‌صورت دل‌را یا رمارزار و خانه شده است.

ضمن آنکه این چرخه به‌لحاظ حرفه‌ای نیز اصلاً مطلوب نیست. بازیگری که وارد این بازی می‌شود، باید خیلی خوش شانس باشد که در آن برهه، پیشنهادی طلایی به او نشود. ضمن اینکه اگرچه آن بازیگر به پول بیشتری به نسبت حق واقعی خود دست می‌یابد اما قطعاً نمی‌توان از قلمدادشدن او به‌وسیله‌ای برای رسیدن آن تهیه‌کننده به نیت خود غافل شد. بازیگر به پول خود می‌رسد و تهیه‌کننده نیز اهداف خود از بستن چنین قراردادی را دنبال می‌کند و جریان تولید در سینمای ایران در کشاکش این منفعت‌طلبی دوطرفه فدا شده و نمی‌تواند در زیست‌بومی طبیعی ادامه حیات دهد.

زنگ‌ها برای که به‌صدا درمی‌آیند

این جریان اگرچه طی یک‌دهه اخیر با شدت و البته احتیاط بیشتری دنبال شده اما سابقه آن به بیش از دودِه قبل برمی‌گردد. در همان سال‌ها نیز اسامی محدودی مطرح بودند که کست یک کار را می‌چیدند و تمرکز اصلی آنها روی بازیگران شاخص یک کار بود. کسانی که با آن چهره‌ها، رابطه صمیمانه‌تری داشتند، در بسیاری از کارهای او حاضر بودند و مابقی سهم چندانی از این دایره بسته آشنا‌سازی نداشتند. نمک این آش به اندازه‌ای زیاد شد که کار به رسانه‌ها کشیده شد و آن چهره‌ها هم از اینکه شهرت بیشتری به‌دست آورده بودند، ایالتی از قانونی و طبیعی جلوه‌دادن این عمل خود نداشتند. بسیاری از بازیگرانی که در این دایره قرار نمی‌گرفتند، مصاحبه‌های افشاگرانه ترتیب می‌دادند و به لایه‌های مختلف این نوع رابطه در سینمای ایران می‌پرداختند. با ورود جریان سینمایی کشور به محدوده‌ای از پنهان کاری‌ها و بازی‌های جدید، غلطت احتیاط نیز بیشتر شد. نام‌های جدید به بدنه سینما تزریق شدند که راحت‌تر می‌توانستند با حاشیه امن پایین‌تری به این قبیل فعالیت‌های خود ادامه دهند. آنها عطش شهرت رسانه‌ای نداشتند و ترجیح می‌دادند علاوه بر مقاصد اقتصادی، نام و چهره خوبی از خود در سینمای ایران به یادگار بگذارند. آنها دیدند افرادی که در



دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شمه‌های دیگری از این رابطه بازی‌ها را روای می‌دادند، اکنون عمدتاً جایی در سینمای ایران و حافظه تاریخی مردم نداشته و به این ترتیب مسیر مطمئن پنهان کاری و دوری از حاشیه‌ها را پیش گرفتند.

هم‌زمان با تغییر این سیاست، نسل جدیدی از بازیگر به سینمای ایران تزریق شد که کار فرهنگسازی این سلسله معامله‌ها را آسان‌تر می‌کرد. درواقع با تغییر هر دوطرف بازی، سیاست‌ها هم تغییر پیدا کرد و تورم دستاویز مناسبی شد برای رواج یافتن چنین معاملات نادرستی. فارغ از تمام عواقبی که چنین بازی‌های دوطرفه‌ای به‌همراه دارند، ترویج چنین همکاری‌هایی درحال حاضر سبب کم‌رنگ شدن بازیگران دیگر شده است؛ اتفاقی که برخی بازیگران را به مهاجرت کشاند، بعضی دیگر را به خانه‌نشینی و انزوا رساند و برخی را هم با انبوهی از حسرت تا دیار باقی بدرقه کرد. این جریان گاهی مورد اعتراض عده‌ای از بازیگران قرار گرفته که شرایط کار سال‌هاست برایشان مهیا نمی‌شود و به فریادهایی منجر می‌شود که گوش شنوایی برای آنها نیست. این شکل مناسبات غیرمنطقی در میان انبوه مشکلات ریزدروشتی که سینمای مارا احاطه کرده، مدفون مانده و شاید مطلوب برخی جریان‌ها هم باشد که بدون چشمداشت یا انتظاری، فرآیند تولید در سینمای ایران را به‌راه می‌اندازند و مخاطبانی را هم در این وانفسای ابداقالی سینما به سالن‌های تاریک می‌کشانند.

درست از محل همین حاشیه امن است که این گونه معامله‌ها رواج بیشتری می‌یابند و عادی انگاری بیشتری دامن بازیگردان‌های این جنس معاملات را می‌گیرد.

در موسیقی هم وضع به همین منوال است

البته این جریان تنها در سینما مطرح نیست؛ در تمام این سال‌ها در موسیقی نیز جریان‌های مشابهی راشینده ایم اما پنهان کاری‌های سینما هیچ‌گاه شامل موسیقی نشد و مخاطبان موسیقی در این سال‌ها نام‌هایی را شنیده‌اند که از بابت قرار گرفتن زیر عنوان یک تهیه‌کننده یک‌شبه به درجه فیهی از شهرت رسید‌اند. جریانی که قدمت آن حتی به دهه ۷۰ می‌رسد و امروز که با تعدد خواننده و پول‌های سرگردان برای کسب شهرت مواجه هستیم، این جریان با شدت به راه خود ادامه می‌دهد. این اتفاق اما منحصر به سینما و موسیقی نیست، بلکه ردپای آن را به انحای مختلف دیگری در شاخه‌هایی چون ادبیات نیز می‌توان جستجو کرد. پول‌های هنگفتی که پرداخت می‌شود تا یک کتاب به نام فردی که حتی یک کلمه آن را ننوشته یا کسانی که میرزابنوس مدیران هستند تا بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و دلنوشته‌های آنان را بنویسند و دامنه آن حتی به نویسندگان مشهور این مملکت هم کشیده‌شده، وجوه دیگر این انحصارگرایی در شاخه‌های دیگر فرهنگ کشورمان است که با یک عادی انگاری قابل تامل درحال تکثرد. تمام این فرآیندهای ناصواب سبب می‌شود این چرخه‌های زیستی حیات طبیعی خود را پشت سر نگذاشته و کسانی که صاحب نمک اثر و ثروت هستند با استفاده از قریحه و پتانسیل دیگران همچنان در راس مانده و به مسیر خود ادامه دهند. این جریان نه‌تنها مخالف شایسته‌سالاری است، بلکه به تبعیض در شاخه‌های مختلف فرهنگ سرزمینی لطمه وارد کرده و آشکارا آپارتاید و تولید ثروت توسط سرمایه‌داران را در سینما، موسیقی، ادبیات، هنرهای تجسمی و دیگر شاخه‌ها ترویج می‌کند.

اکنون وقت آن رسیده که تیم جدید وزارت ارشاد به این مقوله به چشم یکی از ارکان جنگ نرم ورود کرده و بدون هیچ ماسحات و ترجمی به اسناد محرمانه آن دست یافته و با رسانه‌ای کردن آنها جلوی ترویج بیشتر و عادی انگاری آن و البته بحث‌های خودی و ناخودی در شاخه‌های مختلف فرهنگی و هنری را بگیرد.

زمان برگزاری چهلمین «تئاتر فجر» اعلام شد



حسین مسافرآستانه، دبیر چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر درباره زمان قطعی برگزاری این دوره جشنواره، به مهر گفت: «چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۱۰ تا ۲۰ بهمن برگزار خواهد شد و مراسم افتتاحیه این دوره روز ۱۰ بهمن و روز اختتامیه نیز روز ۲۰ بهمن خواهد بود.» وی درباره اینکه آیا مانند برخی از دوره‌های برگزاری جشنواره تئاتر فجر پیش از زمان برگزاری بخش اصلی

بخش‌های جنبی برگزار خواهند شد یا نه، تأکید کرد: «تمامی بخش‌های جشنواره چهلم در زمان معین‌شده یعنی ۱۰ تا ۲۰ بهمن برگزار می‌شوند و قبل یا بعد از جشنواره برگزار نمی‌شوند.» مسافرآستانه درباره بخش بین‌الملل جشنواره چهلم و اینکه آیا آثاری متقاضی اجرا در جشنواره هستند یا نه، یادآور شد: «فراخوان بخش بین‌الملل چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر منتشر شده و تعدادی از گروه‌های خارجی متقاضی اجرای جشنواره هستند که از زیبایی آثار در دست بررسی است.» دبیر چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در پایان سخنان خود تأکید کرد: «بخش بین‌الملل این دوره از جشنواره به‌صورت رقابتی برگزار نمی‌شود و در قالب بخش «ملل» برگزار خواهد شد. ضمن اینکه اجرای حضوری آثار بین‌الملل تابع شرایط کنروایی است و اگر شرایط به‌خوبی پیش برود، آثار خارجی نیز به‌صورت حضوری به صحنه خواهند رفت.»

رونمایی چینی از «تک‌تیرانداز»



نخستین فیلم ژانگ است که در تعطیلات سال نو چینی اکران می‌شود. ژانگ ییمو این فیلم را با همراهی دخترش ژانگ مو کارگردانی کرده است. داستان این فیلم درباره تک‌تیراندازان تیزبین ارتش داوطلب چین در جنگ کره است و بر شخصیت ژانگ تاوفا‌نگ که به کشتن ۲۱۴ آمریکایی با ۳۳۶ گلوله در ۳۶ روز بدون استفاده از تفنگ دوربین‌دار معروف است، تمرکز دارد. درمجموع ۳۴۱ هزار سرباز برای کمک به کره جنوبی به این جنگ اعزام شده بودند که حدود ۹۰ درصدشان آمریکایی بودند. دیگر فیلم جدید ژانگ یعنی «صخره‌ها» به‌تازگی ازسوی چین به‌عنوان نماینده این کشور برای اسکار بین‌المللی ۲۰۲۲ معرفی شده است. ژانگ ییمو فیلمساز تحسین‌شده چینی، سازنده فیلم‌های شاخصی چون «فانوس قرمز را برافراز» و «خانه خنجرهای پرن» و «قهرمان» و «گل‌های جنگ» است.

چین اعلام کرد فیلم جدید ژانگ ییمو با شروع سال نو و در نخستین روز تعطیلات راهی سینماها می‌شود. «اسنایپر» یا «تک‌تیرانداز» جدیدترین فیلم ژانگ ییمو که درباره جنگ کره است، در اولین روز رین تعطیلات سال جدید چینی راهی سینماها می‌شود. این فیلم یکم فوریه همراه با ۱۳ فیلم جدید دیگر به سینماها می‌رود تا می‌پرتماشاگرترین هفته گیشه‌های چین، میزبان مردم در سینماها باشد. این

مؤتمن: این بساط نفرت انگیز است!



مراسم اکران فیلم سینمایی «حکم تجدیدنظر» جمعه گذشته درحالی در پردیس سینمایی کوروش برگزار شد که حواشی برپایی‌اش بیش از متن آن برجسته و رسانه‌ای شد. در این مراسم که با حضور طرفداران دو خواننده جوان پاپ همراه بود، به‌دلیل ازدحام جمعیت ناگهان کنترل جمعیت از دست برگزارکنندگان مراسم خارج شد و عده‌ای از مردم که عمدتاً نوجوان و جوان بودند، زیر دست‌وپا ماندند. انتشار فیلم مربوط به این حادثه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های متعددی را به‌همراه داشت که یکی از تندوتیزترین آنها مربوط به فرزاد مؤتمن، نویسنده و کارگردان سینمای ایران بود. مؤتمن با انتشار یک استوری در صفحه خود نوشت: «سینما را به ما برگردانید، این بساط نفرت‌انگیز است.» برخلاف آن چیزی که در رسانه‌ها تحت عنوان مصدومیت حاضران این مراسم عنوان شده بود، پلیس پایتخت روز گذشته اعلام کرد در این ماجرا کسی مصدوم نشده است. علی سرتسبی، مدیر پردیس سینمایی کورش هم در این رابطه گفته است: «به‌نظر می‌رسد این ماجرا به اینکه خوانندگان نشان بدهند کدام یک طرفدار بیشتری دارند بی‌ارتباط نیست و کلیت ماجرا بیشتر حاشیه‌سازی در فضای مجازی است.»